

نام خانوادگی:	نام درس: فارسی
کلاس: دهم	اداره‌ی کل آموزش و پرورش شهر تهران (منطقه‌ی ۱۲)
رشته: تجربی و ریاضی	دبیرستان و پیش‌دانشگاهی غیر دولتی
شماره‌ی صندلی:	امتحانات نوبت دوم سال تحصیلی ۹۶
	نام دبیر: آقای علیپوری
	تاریخ امتحان: ۹۶/۰۳/۰۸
	ساعت امتحان: ۹ صبح
	مدت امتحان: ۷۵ دقیقه

الف	سؤالات	ب
الف	<p>۱) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (۱)</p> <p>الف: عنان و سنان را پر از تاب کرد. ب: داده تنش بر تن ساحل یله.</p> <p>پ: دست معلم از وقب حیوان روان شد. ت: به سبب خبث طینت آن را نپذیرفت.</p> <p>۲) تفاوت معنایی فعل‌های مشخص شده را توضیح دهید. (۰/۵)</p> <p>الف: گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت. ب: بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت.</p> <p>۳) املا‌ی درست واژگان را از داخل کمانک انتخاب کنید. (۰/۵)</p> <p>الف: چند دسته از بوته‌های (خوار / خار) در نقاط بی درخت سوت می‌زدند.</p> <p>ب: لیکن خروس (غالب / قالب) حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان.</p> <p>۴) در گروه کلمات زیر، غلط‌های املا‌یی را بیابید و شکل درست آنها را بنویسید. (۱)</p> <p>«زبون و مخذول - غرابت و خویشاوندی - ذمایم و پیوست‌ها - نمط و روش - فراق و آسایش - ذلت و لغزش - انهار و جوی‌ها - نفخ و صور - وقاحت و بی‌شرمی - اشباه و سایه‌ها»</p> <p>۵) در ابیات زیر، واژه‌های دو تلفظی را بیابید. (۰/۵)</p> <p>الف: چند دم به سَرَدوانی، پرگاروار گردت سرگشته ام ولیکن پای استوار دارم</p> <p>ب: دریاب عاشقان را کافزون کند صفا را بشنو تو این سخن را کان یادگار داری</p> <p>۶) در بیت زیر کدام واژه «ممال» است؟ (۰/۲۵)</p> <p>«رفتی و صد هزار دلت در دست رکیب ای جان اهل دل، که تواند ز جان، شکیب»</p> <p>۷) در بیت زیر واژه‌هایی بیابید که در گذر زمان، شکل نوشتاری آن تغییر یافته است. (۰/۲۵)</p> <p>«چو یعقوبم ار دیده گردد سپید مبرم ز دیدار یوسف امید»</p> <p>۸) نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. (۰/۵)</p> <p>«تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها»</p> <p>۹) در عبارت زیر ساختمان واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (۰/۷۵)</p> <p>«بیشه ظلمانی بود و مه که به وضع غم‌انگیزی ارغوانی رنگ بود، ستاره را بزرگ تر می‌کرد»</p> <p>۱۰) ضمایر مشخص شده وابسته‌ی کدام کلمات هستند؟ (۰/۵)</p> <p>الف: ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟ گم‌گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟</p> <p>ب: گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه گفت: در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست</p> <p>۱۱) در مورد تفاوت حرف «و» در عبارات زیر توضیح دهید. (۰/۵)</p> <p>الف: گفتم: حالا برو سماور را روشن کن. حالا قوم و خویش‌ها می‌آیند. ب: آرام بود و چیزی نمی‌خواست.</p>	ب

	<p>۱۲) کدام قسمت عبارت زیر حذف شده است؟ (۰/۲۵)</p> <p>« نیکو خو بهتر هزار بار از نیکو رو »</p> <p>۱۳) در بیت زیر یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید. (۰/۵)</p> <p>« همی رنجه داری تن خویش را دو بازوی و جان بد اندیش خویش را »</p>	
۵	<p>قلمرو ادبی</p> <p>۱۴) نوع جناس را در ابیات زیر مشخص کنید. (۰/۵)</p> <p>الف: نگه کرد سهراب و آمدش ننگ بر آشفته و تیز اندر آمد به جنگ</p> <p>ب: عشق، شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوته ی سودا نهاد</p> <p>۱۵) آرایه های «ایهام، حس آمیزی، تضاد و تلمیح» را در ابیات زیر مشخص نمایید. (۱)</p> <p>الف: وجودی دارم از مهرت گدازان وجودم رفت و مهرت هم چنان هست</p> <p>ب: گوش در گفتن شیرین تو واله تا کی؟ چشم در منظر مطبوع تو حیران تا چند؟</p> <p>ج: ذکر سودای زلیخا پیش یوسف کرده اند حال سرگردانی آدم به رضوان گفته اند</p> <p>د: گفתי به غم بنشین یا از سر جان برخیز فرمان برمت جانا، بنشینم و برخیزم</p> <p>۱۶) تشبیه و استعاره را در ابیات زیر بیابید. (۰/۵)</p> <p>الف: دل ای رفیق، بر این کاروان سرای مَبند که خانه ساختن آیین کاروانی نیست</p> <p>ب: جز از جام توحید هرگز ننوشم زنی گر به تیغ ستم، گردن من</p> <p>۱۷) در ابیات زیر کنایه ها را بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید. (۱)</p> <p>الف: گشانی بخندید و خیره بماند عنان را گران کرد و او را بخواند</p> <p>ب: چو سهراب شیراوژن او را بدید بخندید و لب را به دندان گزید</p> <p>۱۸) بیت زیر را که مطلع یکی از غزل های سعدی است، تا چهار بیت ادامه دهید. (۲)</p> <p>« وقتی دل سودایی می رفت به بستان ها بی خویشتنم کردی بوی گل و ریحان ها »</p>	ب
۸	<p>قلمرو فکری</p> <p>۱۹) معنی و مفهوم ابیات زیر را به نثر امروزی بنویسید. (گزارش و تحلیل)</p> <p>الف: چون بگشایم ز سر مو شِکن ماه ببیند رخ خود را به من (۰/۵)</p> <p>ب: که هم رزم، جُستی هم افسون و رنگ نیامد ز کار تو بر دوده ننگ (۰/۵)</p> <p>پ: هر که با پولاد بازو، پنجه کرد ساعد مسکین خود را رنجه کرد (۰/۵)</p> <p>ت: کار پاکان را قیاس از خود مگیر گر چه باشد در نبشتن، شیر و شیر (۰/۵)</p> <p>ث: تو قلب سپه را به آیین بدار من اکنون پیاده، کنم کارزار (۰/۵)</p> <p>ج: ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد (۰/۷۵)</p> <p>چ: چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست (۰/۷۵)</p> <p>۲۰) در بیت « آمد آورد پیش خیر فراز گفت: گوهر به گوهر آمد باز»، مقصود از گوهر اول و دوم چیست؟ (۰/۵)</p> <p>۲۱) چرا رستم از رهام بر آشفته؟ (۰/۵)</p> <p>۲۲) مفهوم تمثیلی این مصراع « خورد گاو نادان ز پهلوی خویش » چیست؟ (۰/۵)</p> <p>۲۳) مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید. (۰/۵)</p> <p>« هر دو گون زنبور خوردند از محل لیک شد زان نیش و زین دیگر عسل</p>	پ

هر دو گون آهو گیا خوردند و آب زین یکی سرگین شد و زان مُشک ناب «
 (۲۴) مفهوم کنایی مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. (۰/۵)
 « ریش برمی کند و می گفت ای دریغ کآفتاب نعمتم شد زیر میغ »
 (۲۵) با توجه به ابیات زیر، پرسش ها را پاسخ دهید.
 « یکی تیر زد بر بر اسپ اوی که اسپ اندر آمد ز بالا به روی
 بخندید رستم، به آواز گفت که بنشین به پیش گرنامه به جفت
 سزد گر بداری، سرش در کنار زمانی بر آسایی از کارزار ... »
 الف : مفهوم مصرع دوم بیت نخست چیست؟ (۰/۵)
 ب : کدام بیت لحن طنز آمیز دارد؟ (۰/۲۵)
 پ : منظور از « گرنامه به جفت » چیست؟ (۰/۲۵)
 ت : مفهوم مصرع آخر چیست؟ (۰/۵)

۲۰

جمع نمره

موفق باشید.

زُرُّرُ باقای : « ادبیات یا همه چیز است یا هیچ چیز ... ! »

« پاسخنامه »

۱) الف : سرنیزه - ب : رها، آزاد - ج : فرورفتگی اندام - د : سرشت .

۲) الف : نابود کرد - ب : خاموش کرد .

۳) الف : خار - ب : غالب

۴) غرابت : قرابت - ذمائم : ضمایم - فراق : فراغ - ذلت : زلت .

۵) الف : استوار - ب : یادگار .

۶) رکیب : رکاب .

۷) سپید : سفید.

۸) عهد : مفعول - نقض : نهاد -

۹) ظلمانی : مشتق - غم انگیز : مرکب - ارغوانی رنگ : مشتق - مرکب .

۱۰) الف : وابسته ی نشان (نشان تو) - ب : وابسته ی سر (سر تو) .

۱۱) الف : واو عطف (بین دو کلمه می آید) - ب : واو ربط (بین دو جمله مستقل می آید)

۱۲) فعل است حذف شده است.

۱۳) ترکیب اضافی : تن خویش - ترکیب وصفی : دو بازو . جان بد اندیش .

۱۴) الف : جناس ناقص : ننگ و جنگ - ب : جناس تام : نهاد (سرشت) و نهاد (قرار داد) .

۱۵) الف : ایهام : « مهر » - ب : حس آمیزی « گفتن شیرین » - ج : تلمیح به داستان یوسف و ذلیخا - د : تضاد : بنشینم و

برخیزم.

۱۶) الف : استعاره : کاروان سرا - ب : تشبیه : جام توحید، تیغ ستم .

۱۷) الف : عنان را گران کردن : متوقف کردن اسب - ب : لب را به دندان گزیدن : تعجب کردن و حسرت خوردن .

۱۸) شعر حفظی . مراجعه به صفحه ۵۸ کتاب درسی.

۱۹) الف : وقتی صاف و زلال و بی موج « مو » هستم، تصویر زیبای ماه در من نمایان می شود.

ب : هم دلیرانه جنگیدی و هم تدبیر در نبرد داشتی و این رفتار تو موجب شرمساری خاندان نخواهد بود.

پ : هر کسی با افراد قوی تر از خود مبارزه می کند شکست خواهد خورد و زحمت و رنج خود را بیشتر می کند.

ت : رفتار انسان های پاک را با خود مقایسه نکن. اگرچه ظاهری شبیه به تو داشته باشند.

ث : رستم به طوس گفت : تو در مرکز سپاه بمان و نظم آن را حفظ کن تا من روش پیاده جنگیدن را نشان دهم.

ج : ای کسی که به بخت و اقبال خودت می نازی، بدان که یک روز، ستاره بخت تو هم خاموش می شود.

چ : از آنجا که به ظاهر افراد نمی شود اعتماد کرد، پس با هر کسی نباید زود دوست شد.

(۲۰) گوهر اول : مروارید - گوهر دوم : خیر .

(۲۱) چون رهام در جنگ با اشکبوس به راحتی تن به شکست داد و پا به فرار گذاشت. بنابراین رستم به طوس می گوید : که

رهام اهل شراب و بزم است و مرد جنگ و دلیری نیست .

(۲۲) انسان ها، چوب نادانی و حماقت خود را خواهند خورد . از ماست که بر ماست .

(۲۳) منظور ظرفیت و شایستگی افراد است ... همه از یک سرچشمه فیض و سود می برند اما هر کسی لیاقت انسان کامل شدن

را ندارد.

(۲۴) از دست رفتن نعمت ها و فرصت ها . (با مرگ طوطی)

(۲۵) الف : اسپ، کشته شد - ب : بیت دوم - ج : اسپ - د : دست از جنگ کشیدن .